



در مکتب روح الله

## گمشده جوامع شرقی...

در عین حال که هم وقت گذشته است و هم هوا سرد است و هم شما دوستان در یک منزل مرطوبی به هم فشرده نشستید و موجب تأثر است، معذک چند کلمه عرض می‌کنم. هیچ ملتی نمی‌تواند استقلال پیدا بکند الا اینکه خودش، خودش را بفهمد. مادامی که ملت‌ها خودشان را گم کردند و دیگران را به جای خودشان نشانند، استقلال نمی‌توانند پیدا کنند. کمال تأسف است که کشور ما که حقوق اسلامی و قضای اسلامی و فرهنگ اسلامی دارد، این فرهنگ را، این حقوق را نادیده گرفته است و دنبال غرب رفته است. همچو غرب در نظر یک قشری از این ملت جلوه کرده است که گمان می‌کنند غیر از غرب هیچ خبری در هیچ جانیست و این وابستگی فکری، وابستگی عقلی، وابستگی مغزی به خارج منشأ اکثر بدبختی ملت‌ها و از جمله ملت ماست. در هر امری که پیش می‌آید، از باب اینکه مغزهای آنهايي که در رأس کارها واقع بودند، به طوری بار آمده بوده است که از خودشان بکلی منصرف و قبله‌شان غرب شده بود. یکی از روشنفکرهاشان، به اصطلاح متفکرینشان (سیدحسین تقی‌زاده) گفته بود که ما تا همه چیزمان را انگلیسی نکنیم، نمی‌توانیم یک رشدی بکنیم. یک همچو مغزهایی در رأس کارها واقع شد، و از آن طرف هم تبلیغات دامنه‌داری که غربی‌ها و غربزدگان شروع کردند و شاید حالا هم باز باشد، اسباب این شد که مغزهای ما غربی شد، قبله ما غرب شد، و تا بیايد این غربزدگی و اجنبی‌زدگی از این قلب‌ها و از این مغزها زدوده بشود، وقت طولانی لازم است.

در قبل این پنجاه سال هم بوده است. لکن در این پنجاه سال اخیر، و خصوصاً در این زمانی که این شخص فاسد، این محمدرضای فاسد، زمامدار این کشور بود، این مسائل به رشد خودش رسید. غربزدگی به کمال خودش رسید. در همه جهت وابستگی پیدا شد. در عین حالی که مافضایمان، قضای حقوقی مان و مسائل حقوقی مان و مسائل فرهنگی مان یک مسائل پیشرفته و از سایر جاها جلوتر هست، لکن در هر امری دستشان را دراز کردند از جای دیگر گرفتند. حتی آن وقتی که در صدر مشروطیت که باز این مسائل کمتر بود، باز دست یک غربزدگانی آن وقت هم در کار بوده است که قانون اساسی آن زمان را از غرب گرفته بودند، تا این ملت به خود نیاید و فرهنگ خودش را پیدا نکند و توجه به اینکه فرهنگی دارد و فرهنگ غنی دارد، نمی شود اصلاح بشود. الآن مدرسه‌هایی که دانشگاه‌ها و دانشسراها، اینها که ما داریم، فرم‌هایش همه فرم غرب است. دادگاه‌های دادگستری هم همین طور است. مراحل دادگاهی هم از غرب گرفته شده است و همه چیز را از غرب گرفته‌اند. فرهنگ به این غنی‌ای کنار زده شده است و چسبیده‌اند به فرهنگ غرب. آن هم نه فرهنگ اصیل غرب، فرهنگ استعماری غرب. غرب همه چیز استعماری دارد. طب استعماری دارد. فرهنگ استعماری دارد. همه چیز استعماری دارد. صادر می کند برای کشورهایی که عقب افتاده‌اند به اصطلاح آنها، آن چیزی که مناسب با آنجاست، به طوری که وابستگی داشته باشد. آنها می خواهند ما وابسته باشیم، و چیزهایی که به ما می دهند چیزهایی است که وابستگی می آورد. استقلال نمی خواهند ما داشته باشیم. استقلال فرهنگی نمی خواهند داشته باشیم. استقلال فکری نمی خواهند داشته باشیم. عمالی که آنها تربیت کرده اند در پیش خودشان و صادر کردند برای ما، آنها هم کمک کردند به آنها، و طرز فکر جامعه ما را به طوری عوض کردند که اگر یک مطلبی غربی نباشد جامعه ما نمی پذیرد این را. حالا شاید در این نهضت کم شده باشد. لکن شما می دانید که قبلاً تا یک اسم غربی روی دواپی، روی یک فاستونی، روی چیز دیگری نباشد، مردم هم نمی پذیرند. خیابان‌های ما باید یک اسم غربی داشته باشد، از همان اشخاصی که ما را آن طور ناتوان کردند و آن طور چپاول کردند و آن طور ستم‌ها را به ما کردند، بعضی از خیابان‌های ما به اسم همان هاست؛ همان‌های غربی، همان‌های آمریکایی، خیابان روزولت (رئیس جمهور سابق آمریکا) مثلاً. اگر یک جنسی رویش اسم غربی نمی بود، این را درست نمی پذیرفتند. اگر یک دواپی نمی گفتند از غرب آمده است نمی پذیرفتند. چیزهایی که خود ملت درست می کرد باید با اسم غرب فروش برود. این غربزدگی است یعنی بازار ما هم غربزده هست یعنی ملت ما الآن باز هم غربزده هست و تا از زیر این بار در نیاید و تا این وابستگی مغزی و فکری از بین نرود، رشد حقیقی پیدا نمی شود، و شما هم نمی توانید مستقل بشوید. شما اگر بخواهید از همه وابستگی‌ها خارج بشوید، این باید این وابستگی مغزی را، قلبی را کنار بگذارید. گمان نکنید که هرچه آنها دارند خوب است. اگر یکی فرض کنید که یک پیشرفتی داشته باشد در صنعت، این دلیل این نیست که پیشرفت دارد در فرهنگ و این اشتباهات مال همین جاهاست که آن که مثلاً فرض کنید فالان طیاره را درست می کند به خورد ما این طور می دهند که همه چیزش این طوری است و حال آنکه نیست این طور. فرهنگشان مثل فرهنگ ما نیست. علم حقوقشان مثل ما نیست. علومشان مثل ما نیست. علم فلسفه شان مثل ما نیست. طب هم از شرق اخذ کرده اند. کتب شرقی در دانشگاه‌های آنجا تا آن اواخر، شاید حالا هم باشد تدریس می شده. ما باید اگر بخواهیم از این بیچارگی بیرون برویم، باید این وابستگی مغزی را کنار بگذاریم. باید دانشگاه‌های ما یک دانشگاه‌هایی باشد که تا مدت‌ها زحمت

بکشد، این جوان‌ها را از آن حال سابق رژیم شاهنشاهی به یک حال سالم رژیم اسلامی برگرداند. باید زحمت بکشند. جوان‌های ما هم باید جدیت کنند در این معنا که خودشان را که گم کردند پیدا بکنند. تا اسم غرب می آید، خودشان را نوازند. شما دیدید که در مقابل غرب ایستادید. آن هم در آن چیزی که غرب جلو افتاده است، در نظامی، در تجهیزات، عرض می کنم که با سلاح و امثال ذلک. شما در مقابل اینها که زورمند بودند ایستادید و با دست خالی هم ایستادید و پیش بردید. اگر قبلاً به ما می گفتند که ما می خواهیم یک حرفی بزنیم که امریکا خوشش نیاید، می ترسیدیم. سابق هم این طور بود که اگر یک مسئله ای می شد تا سفیری که اینجا داشتند چه سفیر انگلستان بود یا شوروی بود یا امریکا بود، می آمد یک اختاری می کرد همه عقب می نشستند. لکن شما دیدید که قیام کردید و در مقابل قدرت‌های بزرگ ایستادید و حریف خودتان را در عین حالی که همه جدیت داشتند که باشد، عقب زدید. معلوم شد، می شود مقابل غرب ایستاد. می شود حتی جلو قدرت‌های غرب ایستاد. در این قضیه خودتان را پیدا کردید. دیدید که نه، ما خودمان هم می توانیم با مشت خالی جلو برویم. در فرهنگ هم باید خودتان را پیدا بکنید.

آنها الآن در صددند که با هر جهتی که شده است، شما را باز به خودشان متوجه کنند، همه کوشششان این است که شما را وابسته قرار بدهند، وابسته کنند. نگذارند این وابستگی از بین برود و شما دانشجوی‌های عزیز خودتان در صدد این باشید که از غربزدگی بیرون بیایید. این گمشده خودتان را پیدا کنید. گمشده شما خودتان هستید. شرق خودش را گم کرده و شرق باید خودش را پیدا بکند. آنها در صددند که با هر ترتیب شده است خودشان را به ما تحمیل کنند، و شما باید مقاومت کنید. شمایی که می خواهید مستقل باشید، می خواهید آزاد باشید، می خواهید خودتان سرپای خودتان ایستاده باشید، باید همه قشرها در این مملکت، همه قشرها بنای بر این بگذارند که خودشان باشند. باید کشاورزها بنای بر این بگذارند که خودشان از زمین روزی خودشان را بیرون بیاورند و مملکت را خودکفا کنند و باید کارخانه‌های ما خودکفا بشود و باید صنایع را خود این مردم، خود این توده‌های مردم، صنایع را رشد بدهند. و باید دانشگاه‌ها خودکفا بشوند که احتیاج به دانش غرب نداشته باشند. بنا از اول هر امری این است که انسان اراده کند یک مطلبی را همچو نترسانندش که نتواند اراده بکند، قبلاً ما را همچو از دستگاه مثلاً سلطنت ترسانه بودند که اراده نمی کردیم مخالفت را. نمی توانستیم اراده کنیم که مخالفت کنیم. احتمال نمی دادیم که ما بتوانیم مخالفت کنیم. لکن خدای تبارک و تعالی، خواست و شما اراده کردید و شد. حالا هم همین طور است. نترسید از غرب. اراده کنید. دانشمندی‌های ما از غرب نترسند. اساتید دانشگاه ما از غرب نترسند و جوانان ما نترسند و اراده کنند که در مقابل غرب قیام کنند، و شرق اراده کند که در مقابل غرب قیام کند.

خداوند ان شاء الله شما جوان‌ها را برای اسلام نگه دارد. و همه اشخاصی که در بنیاد مستضعفین هستند و همه دانشجوی‌های عزیز و همه قشرهای ملت را خداوند حفظ کند. و با قدرت ان شاء الله به پیش بروید و پیروز خواهید شد.

بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن اسلامی دانشگاه اردبیل، ۱۲ دی ۱۳۵۸